

شهید سیدعلی اصغر شم آبادی

نام پدر : سید علی
تاریخ تولد : ۱۳۴۷
نام عملیات : کربلای ۵
تاریخ شهادت : ۱۳۶۵/۱۲/۲۸
محل شهادت: شلمچه
تاریخ تشییع: ۱۳۶۶/۱/۶
محل دفن: شم آباد

۱۳۵

خاطره شهدا را باید در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگهداشت.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

بچه‌ها تازه به منطقه رسیده بودند و همه خسته‌ی راه، سید علی‌اصغر اصرار داشت که بیاید آخرین دعای توسل را با هم بخوانیم، همرزمانش گفتند: حالا یک هفته تو منطقه هستیم دیر نمی‌شود، بالاخره سید علی‌اصغر با پافشاری دعا را برپا کرد.
فردا صبح قبل از اذان وقتی داشت وضو می‌گرفت، که یک خمپاره بهش اصابت کرد و به شهادت رسید. تازه همرزمانش فهمیدند رمز آخرین دعای توسل علی‌اصغر چه بود.

نقل خاطره : طلبه رزمنده ـ محمدرحیم مظلومی همرزم شهید





مادر شهید و الاعقام



سال ۱۳۸۷ به مزار شهدا رفتم. یک ماشین ۲۰۶ پارک کرده بود. یک زن و شوهری از تهران روی قبر شهید سیدعلی اصغر شم‌آبادی نشسته و گریه می‌کردند. حال خوبی داشتند، مزاحمشان نشدم. رفتم و بعد از مدتی برگشتم. آنها لبه آبشار داخل محوطه نشسته بودند. چشمانشان از گریه زیاد، قرمز شده بود. سلام کردم. از من پرسیدند: اهل اینجایید. پاسخ دادم: بله. گفت: می‌شود شماره تلفن خودتان را به ما بدهید. شماره همراهم را به آنها دادم و خداحافظی کردم.

بعد از سه یا چهار ماه به من زنگ زدند. گفت: آقای شم‌آبادی مرا می‌شناسی؟ جواب دادم خیر.

گفت: من همان مسافری هستم که مدتی پیش، در مزار شهدا شماره همراه شما را گرفتم. پاسخ دادم: بله شناختم.

توضیح داد که ما در زندگیمان هیچ مشکلی نداریم فقط بچه‌دار نمی‌شدیم. همه‌جا رفتیم، مشهد، شیرخان و ... ناخواسته از اینجا رد می‌شدیم، که این مکان نظر ما را به خود جلب کرد. البته من به این مسائل خیلی اعتقاد نداشتم، ولی با اصرار همسرم آمدیم، وقتی وارد مزار شهدا شدیم، ناخواسته به کنار مزار شهید علی‌اصغر رسیدیم، بعد از فاتحه حاجتمان را از شهید خواستیم.

با خواست خدا و دعای شهید الان ما پس از چند سال حاجتمان را گرفتیم و چند ماه دیگر ما صاحب فرزند می‌شویم. از شما می‌خواهم که قدر این شهدا عزیزتان را بدانید.

نقل خاطره: کربلایی حسین شم‌آبادی دوست شهید


شهید علی اصغر
شم آبادی







خون های جوانان ما بر مسلسلها غلبه کرد.

امام خمینی (ره)